

We were in Iran last year.	پارسال ایران بودیم
Your number was busy all the time.	شمارت تمام مدت مشغول بود
I hope to see you again.	امیدوارم دوباره ببینمتون
It was raining all the time.	تمام مدت داشت بارون میومد
I don't remember.	یادم نمیاد
They weren't in Iran.	اونا در ایران نبودن
We were at the mall all day.	ما تمام روز تو پاساژ بودیم
They were in Vancouver all week.	اونا تمام هفته در ونکور بودن
My father's always on time.	پدرم همیشه سر وقته
<hr/>	
Mina's father's an engineer.	پدر مینا مهندسه
Her cousin's a teacher.	پسرخالش معلمه
Her cousin is a teacher.	
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
It's getting cold.	داره سرد میشه
Dinner's ready.	شام حاضره
The food's getting cold.	غذا داره سرد میشه
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
I'm getting tired.	دارم خسته میشم
It takes two hours.	دو ساعت طول میکشه
To fix your car.	درست کردن ماشینت
It takes two hours to fix your car.	درست کردن ماشینتون دو ساعت طول میکشه
Are you ready to order?	آیا آماده اید سفارش بدید؟
Not yet	هنوز نه
We have a lot of food.	ما یه عالمه غذا داریم
I can't eat all of it.	من نمیتونم همشو بخورم
You're late.	دیر کردی
Where've you been?	کجا بودی؟
Where have you been?	
I was busy.	سرم شلوغ بود
I was at the bank.	تو بانک بودم
I wanted to deposit some money to my account.	میخواستم کمی پول به حسابم واریز کنم
I wanted to withdraw some money from my account.	میخواستم کمی پول از حسابم برداشت کنم

I wasn't busy.	من سرم شلوغ نبود
They were busy.	اونتا سرشون شلوغ بود
We were busy.	سرمون شلوغ بود
We were in Tehran last year.	پارسال تهران بودیم
Where were you?	کجا بودید؟
I was at home.	
I tried to call you two hours ago.	سعی کردم دو ساعت پیش بهت زنگ بزنم
But your number was busy.	ولی شمارهت مشغول بود
Your number was busy all the time.	شمارت تمام مدت مشغول بود
It's raining.	داره بارون میاد
It rains all the time.	تمام مدت بارون میاد
Ali reads a book all the time.	علی تمام مدت کتاب میخونه
I can't fix my car.	من نمیتونم ماشینمو درست کنم
Without your help	بدون کمک تو
I can't fix my car without your help.	من نمیتونم ماشینمو بدون کمک شما درست کنم
What's your daughter's job?	شغل دخترتون چیه؟
She's an engineer.	اون مهندسه
What does your son do?	پسرتون چکار میکنه؟
He's a teacher.	اون معلمه
It was raining yesterday.	دیروز داشت بارون میومد
It's hard to find a job.	کار پیدا کردن سخته
Did you fix the phone?	تلفن رو درست کردی؟
No, I didn't.	جواب منفی کوتاه
Can you fix it tomorrow?	آیا میتونی فردا درستش کنی؟
Of course I can.	البته که میتونم
When were you in Iran last time?	شما کی آخرین بار ایران بودید؟
When was the last time you were in Iran?	آخرین باری که ایران بودید کی بود؟
About six month ago	حدوداً شش ماه پیش
Almost four years ago	تقریباً چهار سال پیش
All my relatives live there.	همه فامیلام اونجا زندگی میکنن

I hope to see them soon. I hope to see you again.	امیدوارم اونا رو به زودی ببینم امیدوارم دوباره ببینمتون
You're a teacher. You're not a teacher.	شما معلم هستید شما معلم نیستید
You were not home. You weren't home.	تو منزل نبودى
We weren't home.	ما منزل نبودیم
Did Mina call? Yes, but you weren't home.	آیا مینا تلفن کرد؟ آره، ولی تو خونه نبودى
I hope she calls again.	امیدوارم دوباره تلفن کنه
I have to call Mina. What's her phone number? Let me think.	باید به مینا تلفن کنم شماره تلفنش چیه؟ بذار فکر کنم
I'm sorry, I can't remember her number. What's the meaning of the word remember? What does remember mean? It means....	متأسفم، نمیتونم شمارشو به خاطر بیارم معنی کلمه remember چیه؟ remember یعنی چی؟ یعنی....
I can't remember her number	نمیتونم شمارشو به یاد بیارم
Do you remember her address? I don't remember.	آدرسش یادت میاد؟ یادم نمیاد
Remember this number.	این شماره یادت باشه

مکالمه

مینا، آیا اسم دوست علی رو یادته؟

A: Mina, do you remember the name of Ali's friend?

کدوم دوست؟

B: Which friend?

یادته رفتیم خونه علی تقریباً پنج ماه پیش.

A: Remember we were at Ali's house almost five months ago.

آره، یادمه.

B: Yes, I remember that.

اونم اونجا بود. من داشتم باهاش درباره وام گرفتن حرف میزد.

A: He was there, too. I was talking to him about getting a loan.

اوه، آره. منظورت مرد جوانی با کت آبی.

B: Oh, yes. You mean the young man with the blue jacket.

درسته. اون واسه شرکت وام کار میکنه.

A: That's right. He works for a loan company.

چی ازش میخوای؟

B: What do you want from him?

تنهایی چیزی که میخوام بدونم اسم شرکتیه که براش کار میکنه.

A: All I want to know is the name of the company he's working for.

میتونی به علی زنگ بزنی، و اسم و شمارشو بگیری.

B: You can call Ali, and get the name and number from him.

فکر خوبیه. فقط امیدوارم اون هنوزم اونجا کار کنه. منظورم دوست علیه.

A: That's a good idea. I just hope he's still working there. I mean Ali's friend.

یا میتونی به شرکت دیگه ی وام تلفن کنی، و هر سوالی داری ازشون بپرسی.

B: Or you can call another loan company, and ask them any questions you have.

میدونم، اما والدینم قبلاًها بیه وام مسکن با اون کمپانی داشتن، و اونا خیلی ازش خوشحال بودن.

A: I know, but my parents used to have a mortgage with his company, and they were very happy with it.

پس به والدینت زنگ بزن و شمارشو بگیر.

B: Then call your parents and get his number.

اونها در حال حاضر مرخصی هستن.

A: They're on vacation right now.

A few weeks ago	یه چند هفته پیش
A few minutes ago	یه چند دقیقه پیش
A few hours ago	یه چند ساعت پیش
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
What was the name of the insurance company? I don't remember.	اسم شرکت بیمه چی بود؟ یادم نمیاد
I was at the mall yesterday. We were at the mall last Friday.	من دیروز تو پاساژ بودم ما جمعه پیش در پاساژ بودیم
I was very tired this morning.	من امروز صبح خیلی خسته بودم
Where are you? Are you at the bank right now? Yes, I am.	کجایی؟ آیا همین الان تو بانکی؟ جواب مثبت کوتاه
Were you at the bank yesterday? Yes, I was.	آیا دیروز بانک بودی؟ جواب مثبت کوتاه
I saw you there.	اونجا دیدمت
I was at the mall all they. We were at the mall all they.	من تمام روز در پاساژ بودم ما تمام روز و در پاساژ بودیم
They were in Vancouver all week.	اونا تمام هفته در ونکور بودن
I'm talking on the phone. I was talking on the phone.	دارم تلفنی حرف میزنم داشتم تلفنی حرف میزدم
I called you three times. Your number was busy all the time. I'm sorry.	من سه بار بهت تلفن کردم شمارت تمام مدت مشغول بود متاسفم
I was talking to my father. I hope to see him soon.	داشتم با پدرم حرف میزدم امیدوارم به زودی ببینمش
I can't remember Ali's address.	نمیتونم آدرس علی رو به یاد بیارم
Saman, why are you always late? Why are you always late?	سامان، چرا همیشه دیر میکنی؟ چرا همیشه دیر میکنی؟
You're never on time. Ali's always on time. He's always on time.	تو هیچ وقت سر وقت نیستی علی همیشه سر وقته

I was on time this time.	این دفعه سر وقت بودم
He arrived on time.	اون به موقع رسید
Ali works very hard.	علی خیلی سخت کار میکنه

Were
 We were.
 Transfer
 Were
 We were not.
 We weren't.
 Time
 All the time
 On time
 Hope
 Remember
 I remember now.

The meeting started at six o'clock. Did the meeting start on time?	جلسه ساعت شش شروع شد آیا جلسه به موقع شروع شد؟
What time did Mina arrive?	مینا چه ساعتی رسید؟
I really don't remember. What was Sahar's number?	من واقعاً یادم نمیاد شماره سحر چی بود؟
I can't remember her cell phone number.	من نمیتونم شماره موبایلشو به خاطر بیارم
Did you talk to Ali about his trip? Yes, I was talking to him all day.	آیا با علی راجع به سفرش حرف زدی؟ آره، تمام روز داشتم باهاش حرف میزدم
How was the weather in Germany? It was rainy all the time.	هوا در آلمان چطور بود؟ تمام مدت بارونی بود
But I still like Germany.	ولی هنوزم از آلمان خوشم میاد
I hope you find a good job soon.	امیدوارم به زودی به کار خوب پیدا کنی
Ali's never late. He's always on time.	علی هیچ وقت دیر نمیکنه اون همیشه سر وقته
They're from Iran.	اونا اهل ایرانن

Were they from Iran?
I don't know.

آیا اونا اهل ایران بودن؟
نمیدونم

We're almost ready.

ما تقریباً آماده ایم

The food's getting cold.

غذا داره سرد میشه

How old is your daughter?
She's almost ten.

دخترتون چند سالشه؟
تقریباً ده ساله است

Were you at the post office this morning?
I don't remember.

آیا شما امروز صبح اداره پست بودید؟
یادم نمیاد